

مقاله پژوهشی

نقش مشارکت زنان در توسعه توانایی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها)

معصومه پیروسی^۱

علی شیرخانی^۲

چکیده

این پژوهش به بررسی نقش زنان در توسعه توانایی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) می‌پردازد. مهم‌ترین هدف این تحقیق شناسایی عوامل تأثیرگذاری است که نقش زنان را در توسعه توانایی‌های سمن‌ها افزون می‌کند؛ که طی بررسی‌های صورت گرفته پس از غربالگری فاکتورهای اولیه توسط تکنیک دلفی، ۵ مؤلفه؛ کمک‌های مادی، نشست‌های مستمر و هدفمند زنان، خدمات مشاوره‌ای، کاربرد آموزش در تشکل‌های زنان و ارتقا فرهنگ و فعالیت‌های نمادین به‌عنوان عوامل تأثیرگذار که پاسخ‌دهندگان زن می‌توانند درباره آن‌ها اظهارنظر نمایند، شناسایی شدند. جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۸۰ نفر از بانوان فعال عضو سازمان‌های مردم‌نهاد شهر تهران بود که بیشتر در زمینه آسیب‌های اجتماعی فعالیت داشتند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده که برای پایایی آن از روش کرونباخ و برای روایی از CVR استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز توسط آزمون تک نمونه صورت پذیرفت. نتایج پژوهش نشان داد که کمک‌های مادی نقش بسزایی در توسعه توانایی‌های سمن‌ها دارند.

واژگان کلیدی: زنان، سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن)؛ آسیب‌های اجتماعی؛ مشارکت زنان؛ تشکل‌های زنانه

^۱ دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران

^۲ دانشیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)

Rooz1357@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۹

DOI: 10.22051/jwfs.2020.24167.1996

مقدمه و بیان مسأله

واژه «سازمان مردم‌نهاد» با اختصار «سمن» از واژه انگلیسی "non-governmental organization (NGO)" به معنی سازمان غیردولتی برداشت شده است. سازمان‌های مردم‌نهاد در کشورهای مختلف با توجه به فرهنگ موجود در آن کشور، برای انجام امور داوطلبانه با گرایش‌های فرهنگی، خیریه‌ای، محیط‌زیست، بشردوستانه و ... در چارچوب قوانین کشورها فعالیت می‌کنند. این سازمان‌ها معمولاً با همت افرادی پدید می‌آیند که تلاش بی‌قید و شرط و خالصانه و بدون چشم‌داشت را سرلوحه عمل خویش قرار داده و هرچند معمولاً بدون حمایت دولت‌ها در جامعه شکل می‌گیرند اما دارای تعاملات و ارتباطات دوجانبه با دولت‌ها می‌باشند. سازمان‌های مردم‌نهاد یک پدیده اجتماعی محسوب می‌شوند و به‌نوعی بستر تأثیرگذاری آحاد جامعه را طی جریان‌ها و فرایندهای تخصصی فراهم می‌نمایند، لذا می‌توان گفت که مشارکت در این سازمان‌ها سبب تشویق افراد جهت انجام خدمت به یکدیگر و احساس تعهد نسبت به یکدیگر است (قراملکی، ۱۳۸۸). به عبارتی سازمان‌های مردم‌نهاد، متشکل از گروهی زنان داوطلب و هم‌هدف است که بدون وابستگی به دولت، به‌صورت غیرانتفاعی و عام‌المنفعه با تشکیلات سازمان‌یافته در جهت اهداف و موضوع‌های متنوع فرهنگی، اجتماعی، تخصصی، خیریه‌ای و غیره فعالیت می‌کنند. این سازمان‌ها یکی از ابزارهای مهم توسعه و یکی از مؤثرترین و معتبرترین ملاک‌ها جهت سنجش و بررسی میزان مشارکت مردم در اداره امور کشورها به شمار می‌روند (سلطانخواه، ۲۰۰۵).

سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) می‌توانند در زمینه‌های دسترسی مردم به خدمات آموزشی سلامت، ارتقای کمیّت و کیفیت کاهش هزینه‌های خدمات اجتماعی به دلیل سهولت دسترسی در گروه‌های آسیب‌پذیر، کاهش جرم در محله و منطقه و افزایش سرمایه اجتماعی از طریق ارتقای مشارکت، منشأ اثر باشند (افضلی و همکاران، ۱۳۹۷). یکی از عواملی که توسعه اجتماعی کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، آسیب‌های اجتماعی هستند، این عوامل با اختصاص دادن بخش کلانی از بودجه کشورها به خود، موانع زیادی را در مسیر رشد و توسعه، به وجود می‌آورند (کلایتون و همکاران، ۲۰۰۰) و یکی از دغدغه‌های اساسی در



جامعه محسوب می‌شوند. به همین دلیل پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و مقابله با وقوع آن‌ها از اولویت‌های هر کشوری است (معین‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۳). از آنجاکه تجربه ثابت کرده که دولت‌ها به‌تنهایی قادر به مقابله با این آسیب‌ها نیستند و از طرفی مباحث نظری و تجربیات عملی در خصوص اثرگذاری مشارکت مردم در افزایش بازدهی طرح‌های دولتی، ضرورت به‌کارگیری سمن‌ها را در مقابله و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی آشکار می‌کند (هیلبورن، ۲۰۰۵). می‌توان بیان داشت تشکل‌های غیردولتی بازوی پرتوان در پیگیری تحقق اهداف توسعه محسوب می‌شوند که همواره بخش قابل‌توجهی از مطالبات عمومی توسط این سازمان‌های مردم‌نهاد پاسخ داده می‌شود (شاه بهرامی و همکاران، ۱۳۸۹).

زنان به‌عنوان مؤثرترین عضو جامعه که بیشترین سهم اداره داخلی خانواده به‌عنوان واحد اجتماعی به عهده آن‌هاست، در تربیت و تکامل آحاد اجتماع، اساسی‌ترین نقش را ایفا می‌کنند. زن به دلیل نقش خاصی که در دستگاه خلقت بر عهده دارد، به سرمایه‌های درونی بس گران‌بهایی مجهز است که جامعه‌ی بشری در رشد خود نیازمند این ارزش‌ها است (خطیبی، ۱۳۹۴). به امروزه زنان جامعه، در بیشتر حوزه‌ها حضوری فعال و پررنگ و در برخی سطوح حضوری کم‌رنگ و غیرفعال داشته‌اند. همین سبب گرایش بیش‌ازپیش آنان به‌طرف تشکل‌های خودجوش و مردم‌نهاد شده است تا بتوانند با فعالیت‌های سازنده و مفید، ضمن برآورده ساختن بخشی از نیازهای جامعه به سهم عمده‌ای از خواسته‌های درونی خود برسند. توانایی‌هایی که شاید در خیلی از موقعیت‌ها به‌اندازه‌ای که باید به آن توجه نشد و فعالیت در این تشکل‌ها همان مسیری است که زنان با آزادی عمل بیشتری می‌توانند خود را به جامعه، اثبات کنند (محسنی و همکاران، ۱۳۹۲). جامعه‌ای که فعالیت‌های مردم‌نهاد دارد، شاخص و قابل‌توجه است. تشکل‌های مردم‌نهاد بخصوص در حوزه زنان، ظرفیتی محسوب می‌شود که امروزه در جوامع پیشرفته مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این‌رو در این پژوهش بر آن شدیم تا به بررسی نقش زنان در توسعه توانایی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی چه نقشی دارند؟

پیشینه تجربی

با مروری بر پیشینه تحقیقات انجام شده در حوزه نقش مشارکت زنان بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران به نظر می‌رسد پژوهش حاضر، پژوهشی جدید در این حوزه باشد. چراکه در پژوهش‌های انجام شده مربوط به نقش زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد، به نقش سازمان‌های مذکور بر زنان بررسی شده است. به‌عنوان نمونه جهانگیری و شکری زاده (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد سازمان‌های غیردولتی زنان از دید اعضا در شهر شیراز» پرداختند. نتایج نشان داد رابطه‌ی معنی‌داری بین تأهل، قومیت، تحصیلات افراد و تحصیلات همسرانشان با متغیر عملکرد سازمان وجود ندارد؛ اما بین شاخص‌های سرمایه اجتماعی ساختاری و شناختی با عملکرد سازمان رابطه وجود دارد، به‌گونه‌ای که با افزایش این نوع متغیرها، عملکرد سازمان‌ها نیز افزایش می‌یابد. شاه بهرامی و همکارانش (۲۰۰۹) در مطالعات خود به بررسی تأثیر فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد بر پیشگیری از ارتکاب جرم زنان سرپرست خانوار پرداختند. بر اساس تحقیقات آن‌ها هر یک از متغیرهای کمک‌های مادی، برگزاری کلاس‌های آموزشی، ارائه خدمات مشاوره‌ای، ایجاد اشتغال و ارائه خدمات درمانی به زنان سرپرست خانوار در پیشگیری از ارتکاب جرم آنان تأثیر دارد. براری و همکاران (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر عضویت در سازمان‌های مردم‌نهاد بر پایگاه اجتماعی-اقتصادی زنان سرپرست خانوار» به بررسی تأثیر سازمان‌های مردم‌نهاد بر توانمندسازی سرپرست خانوار در شهر تهران پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد زنان عضو در سازمان‌های مردم‌نهاد به‌طور معناداری از پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتر، دسترسی به امکانات رفاهی بیشتر، رضایت از زندگی بیش‌تر و بهبود نگرش نسبت به توانایی‌ها و شایستگی‌های خود برخوردار بوده‌اند.

افضلی و همکارانش در سال ۱۳۹۷ به بررسی نقش سمن‌ها در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی پرداختند. آن‌ها دریافتند، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در راستای تأمین امنیت، نیازهای انسانی و توسعه اجتماعی در جوامع مختلف است. گستردگی اقدامات و نظرات گوناگون در رفع آسیب‌های اجتماعی باعث شده تا دولت‌ها به‌تنهایی قادر به برآورد آن نباشند، از این‌رو لازم است همکاری‌های چندجانبه با حاکمیت-مردم و جامعه صورت پذیرد



تا نتایج به دست آمده کیفی‌تر و سریع‌تر رخ دهد. سید رنجبر و همکارانش (۱۳۹۶) نیز در پژوهش خود، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد سمن‌ها در مبارزه و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی با تأکید بر اعتیاد را مورد مطالعه قرار دادند. مطالعه آن‌ها از طریق روش تحلیلی و کتابخانه‌ای از بعد نظری به روند رشد و کارکرد این نوع سازمان‌ها در جامعه ایران پرداخت. آن‌ها رویکرد اجتماعی کردن مبارزه با اعتیاد یعنی مشارکت تمام آحاد جامعه از جمله خانواده‌ها و اقشار مختلف مردم در قالب سمن‌ها را از راهکارهای لازم می‌دانند. در پژوهشی دیگر بادسار و قاسمی (۱۳۹۶) به تحلیل جنسیتی مشارکت زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد پرداختند. آن‌ها بر این باورند که مشارکت زنان باید به طور ویژه مورد توجه قرار گیرد تا زمینه اساسی مشارکت فعال نیمی از جمعیت جامعه در صحنه‌های گوناگون اجتماع فراهم آید. بررسی‌های آن‌ها نشان داد، به دلیل افزایش حضور زنان در عرصه‌های گوناگون، به طور قابل توجهی شکاف‌های جنسیتی کاهش یافته است و زنان در حوزه‌های مختلف و حتی سمت‌های تخصصی و مدیریتی به کار گمارده شده‌اند؛ اما هنوز هم با توجه به بافت جامعه ایرانی، بسیاری از بانوان در بخش مشاغل رسمی و سازمان‌های غیردولتی حضور نداشته و اغلب به خانه‌داری یا مشاغل غیررسمی اشتغال دارند. همچنین محسنی و همکارانش (۱۳۹۲)، به بررسی عوامل مؤثر بر انگیزه مشارکت زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد پرداختند. مهم‌ترین یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد که؛ بیش‌ترین میزان تأثیر را در انگیزه مشارکت زنان برای فعالیت در سازمان‌های مردم‌نهاد به ترتیب ۱- رضایت از زندگی ۲- عضویت اعضای خانواده در سمن‌ها ۳- ویژگی‌های جمعیت شناختی زنان ۴- میزان مصرف رسانه‌ای ۵- آگاهی سیاسی زنان ۶- پایگاه اقتصادی و درنهایت ۷- انسجام خانوادگی داشته‌اند. در مطالعه‌ای دیگر اسلامی (۱۳۹۷) به بررسی نقش سازمان‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد در جهت کاهش خشونت‌های اجتماعی و تأمین امنیت محله پرداختند. آن‌ها بر این باورند که مشارکت مردم در سازمان‌های مردم‌نهاد موجب افزایش و ارتقاء سطح آگاهی‌های اجتماعی می‌گردد و ثانیاً این مشارکت باعث اجتماعی شدن و فرهنگ پذیری انسان‌ها گردیده است. عضویت افراد و به ویژه جوانان در سازمان‌های مردم‌نهادی که بر اساس ضوابط مشخص تشکیل شده

باشند، می‌تواند از جمله عوامل پیشگیری‌کننده از بزهکاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی بوده و موجب ارتقاء سطح امنیت فرد و متعاقب آن جامعه گردد.

چارچوب نظری

سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) یا همان سازمان‌های غیردولتی (NGO)، گروه‌هایی متشکل از افراد علاقه‌مند به رفع یک معضل در جامعه هستند که به صورت داوطلبانه، برای رسیدن به یک هدف مشترک، به شکل غیردولتی، غیرسیاسی و غیرانتفاعی فعالیت می‌کنند (گلشن پژوه، ۱۳۸۶). گرچه انجمن‌های داوطلبانه مردمی در سراسر تاریخ وجود داشته‌اند، سازمان‌های غیردولتی اغلب به همان منوال که امروزه، به‌ویژه در سطح بین‌الملل دیده می‌شوند، در دو قرن اخیر توسعه یافته‌اند. یکی از اولین سازمان‌های مهم و تأثیرگذار، صلیب سرخ جهانی است که در سال ۱۸۶۳ تأسیس شد. عبارت «سازمان‌های غیردولتی» با تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ که محتوای آن در ماده ۷۱ از فصل ۱۰ منشور سازمان ملل آمده است، به وجود آمد (انصاری، ۱۳۹۷). سمن‌ها با آنکه از سال‌ها قبل در کشور ما فعالیت دارند اما متأسفانه از سوی دولت و نهادهای دولتی چندان جدی تلقی نشده و نقش‌آفرینی تأثیرگذاری در این بخش نداشته‌اند. از این سازمان‌ها با عناوین جایگزین دیگر از جمله انجمن، جمعیت، گروه، خانه و... نیز نام برده می‌شود و شاید بتوان گفت شکل جدید آن‌ها هم‌زمان با تصویب آیین‌نامه تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی در سال ۸۴ و به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی در کشور اجرایی شد. شاید یکی از دلایل حضور کم‌رنگ این سازمان‌ها، حمایت نشدن از سوی سایر سازمان‌های دولتی و شرکت داده نشدن در موضوع‌های جدی جامعه در طول سال‌های گذشته بوده است (وروایی و همکاران، ۱۳۹۵).

سمن‌ها در زمینه آسیب‌های اجتماعی، توان‌بخشی، محیط‌زیست، امور بشردوستانه و نظایر آن فعالیت می‌کنند و با رویکرد اجتماع‌محور، مشارکت‌طلبی از گروه هدف را شیوه کار خود قرار داده و مردم را در تصمیم‌گیری برای مسائل مربوط به خود سهیم می‌کنند. سازمان‌های مردم‌نهاد، نقش مهمی در حیات جوامع ایفا می‌کنند زیرا به دلیل دور بودن از سیستم بروکراسی بخش دولتی و منفعت‌طلبی بخش خصوصی، با تأثیرگذاری در وضع و اجرای سیاست‌های اجتماعی، بازوی قدرتمندی برای دولت‌ها محسوب می‌شوند (وروایی و



همکاران، ۱۳۹۵). سمن‌ها با مشارکت طلبی از جامعه هدف، باعث افزایش تعلق خاطر مردم نسبت به مسائل خود می‌شوند. آن‌ها با همفکری مردم، مسائل موجود در حیطه فعالیت خود را بررسی کرده، دیدگاه‌ها، پیشنهادها و انتقادات مردم را به دولت و ارگان‌های دولتی انتقال می‌دهند و از طرفی اطلاعات و امکانات موجود دولتی نیز می‌تواند منابع مناسبی برای برنامه‌ریزی‌های آتی آن‌ها باشد.

موضوع آسیب‌های اجتماعی و روش‌های مقابله با آن از موضوعات بااهمیت است که برای حل آن نیازمند همکاری مستقیم خانواده‌ها و متولیان امور اجتماعی و ذی‌ربط در حل آسیب‌های اجتماعی است. سمن‌ها با دریافت آموزش‌ها و اطلاعات به‌روز، نقش مؤثری در شناسایی و کاهش آسیب‌های اجتماعی دارند (خسروانی، ۱۳۹۵). حمایت از آسیب‌دیدگان اجتماعی به سیاست‌های اجتماعی مربوط است. زمانی که حمایت از آسیب‌دیدگان به‌طور کامل در اختیار دولت قرار می‌گیرد، این نهاد از دیدگاه منافع خود به آن‌ها نگاه می‌کند، اما وقتی مردم یک جامعه به حمایت و همدلی از این آسیب‌دیدگان می‌پردازند، این حمایت بسیار عمیق‌تر و کامل‌تر است. به این دلیل مردم، در متن این آسیب‌ها قرار دارند، آن‌ها را خوب می‌شناسند و برای حمایت و همدلی از افرادی که دچار بحران هستند انگیزه‌های قدرتمندی دارند. سمن‌ها در عرصه‌های مختلف جامعه حضور فعال و تأثیرگذاری دارند که افزایش اطلاعات و روزآمدی دانش این نهادها بر اثرگذاری هرچه بیشتر و حل مشکلات اجتماعی می‌تواند تأثیر بسزایی داشته باشد.

بررسی مسأله طلاق و عوامل مؤثر بر آن، خودکشی، اعتیاد و بزه‌کاری از جمله موضوعاتی است که در دهه‌های اخیر اندیشمندان اجتماعی را بسیار به خود مشغول داشته است (فیروزجانیان و همکاران، ۱۳۹۷). بررسی مطالعات نشان داده است که فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در امور اجتماعی، نقش عمده‌ای در پیشگیری از ناهنجاری‌ها و معضلات جامعه داشته است. انجمن‌های مردم‌نهاد با کسب اطلاعات کافی در مورد موضوع‌های ناهنجار اجتماعی، شیوه برخورد با افراد آسیب‌دیده را فراگرفته و با بینش و توان کافی به کمک این افراد می‌روند (رزاقی و لطفی، ۱۳۹۷).

تاریخ حیات انسان بر پایه‌ی مشارکت و همکاری ایجاد شده است. مشارکت پدیده‌ای است که از دیرباز با زندگی انسان پیوند داشته و همراه با تکامل او تحول یافته است (وحیدا و نیازی، ۱۳۸۳). مشارکت در همه زمینه‌های زندگی اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وجود دارد. برخی از مشکلات ساختاری و عملکردی برنامه‌های توسعه ناشی از نارسایی‌هایی است که در حوزه مشارکت وجود دارد. مشارکت اجتماعی ریشه در ساخت روابط گروهی در سطح محلی و ملی دارد و مبتنی بر یک فرایند است که طی آن اطمینان و همبستگی میان مردم برقرار می‌گردد (محسنی و جارالهی، ۱۳۸۲).

راهنما^۱ (۱۹۹۹) با بر نقش کلیدی و مهم مشارکت در توسعه انسان محور، چهار کارکرد شناختی، سیاسی، اجتماعی و ابزاری برای مشارکت قائل است. برحسب کارکرد شناختی، مشارکت مولد گفت‌وگو و عملیات مربوط به توسعه‌ای است که مبتنی بر شیوه متفاوتی از فهم واقعیت‌های مربوط به توسعه است. به لحاظ اجتماعی، مشارکت به گفتمان توسعه حیات جدید بخشیده و می‌تواند نهادها، گروه‌ها و افراد درگیر در فرایند توسعه را در قالب سازه جدیدی قرار داده و به آن‌ها توانمندی لازم برای برآوردن نیازهای اصلی اعطا کند. از بعد سیاسی، مشارکت می‌تواند به واسطه توانمندسازی افراد فاقد قدرت و خاموش منبع مشروعیت بخشی به توسعه باشد. به لحاظ ابزاری، رویکرد مشارکتی با شناخت و آگاهی از نقصان‌های راهبردهای سنتی و متعارف توسعه و با تأکید بهره‌گیری از فرایند توانمندسازی، آسیب‌پذیران را به مراقبت و مواظبت از خودشان فرامی‌خوانند (راهنما، ۱۹۹۹).

گولت^۲ مشارکت افراد را به‌عنوان جزء مهم و حیاتی راهبردهای توسعه و پیشرفت جامعه دانسته و آن را واجد سه عملکرد عمده می‌داند. از نظر وی، مشارکت اجتماعی اولاً نحوه برخورد غیر ابزاری دولت یا مردم و احساس ارزشمندی را تضمین می‌کند. ثانیاً: مشارکت به‌عنوان وسیله ارزنده‌ای برای بسیج، سازمان‌دهی و تعالی بخشیدن به فعالیت توسعه خود مردم به‌عنوان حلال اصلی مشارکت در شرایط اجتماعی خود به شمار می‌رود. ثالثاً: مشارکت به‌مثابه کانالی است که گروه‌ها و جوامع محلی می‌توانند از طریق آن به عرصه‌های کلان و

^۱ Rahnem

^۲ Goulet



بزرگ‌تر تصمیم‌گیری دسترسی پیدا کنند. بدون مشارکت، راهبردهای توسعه غیر مردمی بی‌نتیجه خواهند بود (گولت، ۱۹۹۵: نقل از همایونی بایی، ۱۳۹۱).

در تبیین نقش زنان در تقویت و توسعه توانایی‌های سازمان مردم‌نهاد می‌توان گفت، زنان جامعه، علاوه بر انجام مسئولیت الهی خود در پرورش نسل‌های جدید، اداره خانه، با توجه به توان فکری در مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی سهیم شده و در پیشبرد اهداف عالیه دین و کشور همچنان نقش مؤثر خود را در این زمینه تداوم بخشیدند. از طرفی گستردگی فعالیت‌های اجتماعی زنان با توسعه همه‌جانبه جامعه، ظهوری نو پیدا کرد به طوری که می‌توان گفت امروزه بیش از هر زمان دیگری می‌توان حضور زنان را در بیشتر عرصه‌های اجتماعی همگام با مردان احساس کرد. این حضور با انگیزه‌های فراوانی شکل گرفته است که علاوه بر کمک به چرخه‌های اقتصادی، زن برای اثبات توانایی‌های خود به جامعه می‌خواهد از تمام ظرفیت خویش بهره‌گیرد تا با ابراز وجود و توانایی خود، حقوق کمتر دیده‌شده خویش را به جامعه گوشزد کند. از همین رو بیش‌ازپیش حضور زنان را در تشکل‌های خودجوش و مردم‌نهاد بیشتر مشاهده می‌کنیم. یکی از مسائل مهم در تشکل زنان که باعث توسعه و رشد توانایی‌های سمن‌ها می‌شود، لزوم توجه به آموزش است. در تبیین نقش زنان در امر آموزش در هر خانه و خانواده‌ای باید سرلوحه تمام فعالیت‌های زنان باشد، برای تحقق این امر آنان باید سعی کنند بیشتر دور هم جمع شوند و برای هر مشکلی مانند آلودگی طبیعت و نجات آن، مبحث اعتیاد و مباحثی از این دست راه‌حل‌هایی ارائه دهند. همچنین هم‌نشینی و دوستی زنان در موفقیت تشکل‌های آنان بسیار نقش‌آفرین خواهد بود. زنان باید خود را در مسیر جامعه قرار دهند و به سؤالات به شکل علمی پاسخ دهند.

خلاصه اینکه، با استفاده از نظریه‌های مورد اشاره شده و تلفیق آن‌ها، ۵ فرضیه در خصوص نقش زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد قابل احصا است:

- کمک‌های مادی زنان، نقش مهمی در رشد و توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد دارد؟
- نشست‌های مستمر و هدفمند زنان، نقش مهمی در رشد و توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد دارد؟
- ارائه خدمات مشاوره‌ای، نقش مهمی در رشد و توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد دارد؟

- آموزش و ارتقای فرهنگ، نقش مهمی در رشد و توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد دارد؟
- فعالیت‌های نمادین، نقش مهمی در رشد و توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد دارد؟

روش‌شناسی

ماهیت و روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر نوع، توصیفی تحلیلی و از نظر روش اجرا، پیمایشی است. در پژوهش حاضر، پس از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، ابعاد و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد استخراج و جمع‌آوری گردید که جهت اصلاح و بهره‌مندی از نظر اساتید خبره در حوزه منابع انسانی، با استفاده از روش دلفی مورد بررسی قرار گرفته و مواردی افزوده گردیده است. پس از اخذ همگرایی لازم در خصوص شاخص‌های یادشده، پرسشنامه نهایی پژوهش، تدوین و در نمونه وسیع‌تری مورد ارزیابی قرار گرفت تا قابلیت تعمیم‌پذیری لازم را به دست آورد.

جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

در بخش مربوط به دلفی کلیه صاحب‌نظران و اساتید حوزه جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی جامعه آماری پژوهش را تشکیل می‌دهند. در این روش با توجه به اینکه لازم است صاحب‌نظر همکاری خود را در اجرای طرح اذعان نمایند و داوطلبانه پذیرای این امر شوند، لذا از نمونه‌گیری غیر تصادفی هدفمند و داوطلبانه استفاده گردید؛ بنابراین در بخش دلفی پژوهش ۲۰ نفر، نمونه تحقیق را تشکیل می‌دهند. در بخش پیمایش پژوهش، جهت تکمیل پرسشنامه‌ها کلیه زنان عضو و فعال در سازمان‌های مردم‌نهاد شهر تهران ($n=28980$) مدنظر قرار گرفتند و با استفاده از فرمول کوکران ۱۸۰ نفر نمونه آماری انتخاب گردید. در این بخش، روش نمونه‌گیری، تصادفی طبقه‌ای بوده است. طبقات نمونه‌گیری، ۸ سازمان مردم‌نهاد در استان تهران هستند که متناسب با توزیع جامعه آماری حجم نمونه تعیین و سپس با استفاده از فهرست آماری جامعه به شیوه نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند.



ابزار جمع‌آوری اطلاعات

ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته است. پس از مطالعات کتابخانه‌ای و اینترنتی پیشینه توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران و جهان و مصاحبه نیمه ساختاریافته، فهرستی از ابعاد، مؤلفه‌ها و موانع تهیه شد که پس از اجرای تکنیک دلفی و مشارکت چندین صاحب‌نظر در حوزه سازمان‌های مردم‌نهاد، فهرست نهایی در دو قسمت تهیه گردید. در قسمت اول پرسشنامه، مؤلفه‌های نقش زنان در ۵ بعد و ۲۳ مؤلفه و در بخش دوم، موانع و مشکلات مشارکت زنان در نه مؤلفه تدوین گردید. سپس از جامعه آماری مورد مطالعه خواسته شد تا بر اساس طیف لیکرت و با توجه به شرایط موجود سازمان، به هر یک از مؤلفه‌ها امتیازی بین ۱ تا ۵ اختصاص دهند.

اعتبار و پایایی ابزار اندازه‌گیری

برای تعیین پایایی و همسانی درونی گویه‌های پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب ۰/۸۲ به دست آمد. برای اعتباریابی پژوهش نیز، از روش اعتبار صوری و همچنین از شاخص نسبت روایی محتوایی (CVR) استفاده گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از روش‌های آماری توصیفی همچون: فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار و نیز روش‌های آمار استنباطی (آزمون t تک نمونه‌ای) استفاده شد. فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها و انجام آزمون‌های آماری، به وسیله نرم‌افزار اس.پی.اس. انجام شد.

یافته‌ها

سؤال اول: ابعاد و مؤلفه‌های اصلی نقش زنان در توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد کدامند؟
بر اساس پیشینه تحقیق، مبانی نظری و مطالعات انجام‌شده، اجرای تکنیک دلفی و مشارکت متخصصان، در مجموع ۲۳ مؤلفه استخراج و در ۵ بعد دسته‌بندی گردید. این ابعاد و مؤلفه‌ها مبنای کار محقق برای طراحی پرسشنامه وضعیت موجود پژوهش قرار گرفت. در جدول ۱ ابعاد و مؤلفه‌های نقش زنان در توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد و نیز منابعی که این ابعاد و مؤلفه‌ها استخراج گردید، آورده شده است.

جدول ۱ ابعاد و مؤلفه‌های نقش زنان در توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد

ابعاد	مؤلفه‌ها	منابعی که مؤلفه‌ها از آن استخراج شدند
کمک‌های مادی	نقش کمک‌های مردمی و خیریه	(دماری و همکاران، ۱۳۹۳)
	نقش حق عضویت اعضا	
	نقش کمک مالی اعضا	
	نقش برگزاری نمایشگاه	
نشست‌های مستمر و هدفمند زنان	نقش فروش نشریه	محسنی و همکاران (۱۳۹۲)
	نقش عضویت اعضای خانواده در سمن‌ها	
	نقش آگاهی سیاسی زنان بر توسعه توانایی‌های سمن‌ها	
	نقش پایگاه اقتصادی زنان	
خدمات مشاوره‌ای	انسجام خانوادگی	شاه بهرامی و همکاران (۱۳۸۹)
	انتقال تجربیات و مشاوره توسط زنان	
	ارائه تسهیلات و فراهم آوردن شرایط مناسب برای مددجویان	
	نقش زنان مشاور و تحصیل کرده	
کاربرد آموزش در تشکل‌های زنان و ارتقا فرهنگ	تشکیل نمایشگاه‌ها و همایش‌های مختلف	دماری و همکاران (۱۳۹۳)
	تولید و نشر روزنامه و مجله	
	ارائه خدماتی همچون نمایش فیلم	
	نوشتن طومار	
فعالیت‌های نمادین	شرکت در راه‌پیمایی‌های آرام	دماری و همکاران (۱۳۹۳)
	تجمع باری اعلام هشدار	
	روش مخالفت آگاهانه نسبت به برخی از مصوبات مجلس و دولت	
	تشکیل کلاس‌های آموزشی	
	تشکیل جلسات نقد و تفسیر کتاب‌های مختلف و تألیف کتاب	

سؤال دوم: وضعیت موجود مشارکت زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد با توجه به ابعاد و مؤلفه‌های شناسایی شده چگونه است؟

به‌منظور بررسی وضعیت موجود مشارکت زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد، پس از استخراج ابعاد و مؤلفه‌ها از مبانی نظری و پیشینه پژوهش در ایران و جهان، فهرستی از ابعاد و مؤلفه‌های مشارکت زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد تهیه شد که پس از اجرای تکنیک دلفی و مشارکت ۲۰ نفر صاحب‌نظر در حوزه علوم اجتماعی، فهرست نهایی در ۵ بعد و ۲۳ مؤلفه تدوین شد و با قرار دادن آن در قسمت اول پرسشنامه از نمونه‌های پژوهش درخواست شد تا



با توجه به مؤلفه‌های تدوین‌شده در خصوص وضعیت موجود آن‌ها در سازمان موردنظر، ابراز نظر کنند. با توجه به اینکه مقیاس ابزار پنج‌درجه‌ای بود، جهت انجام آزمون t تک‌گروهی میانگین نظری با ارزش عددی ۳ در نظر گرفته شد و با میانگین‌های تجربی به‌دست‌آمده، مقایسه گردید. نتیجه آزمون t مذکور در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲ نتایج آزمون t تک نمونه‌ای به‌منظور بررسی وضعیت موجود

ارزش آزمون-۳						
مؤلفه‌های پژوهش	\bar{x}	s	درجه آزادی	مقدار معناداری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان حد پائین حد بالا
کمک‌های مادی	۳/۸۴	۶۸/۶۵۰	۱۷۸	۰/۰۰۰	۳/۸۲۵	۳/۷۱ حد پائین ۳/۹۴ حد بالا
نشست‌های مستمر و هدفمند زنان	۳/۵۷	۵۳/۸۵۹	۱۷۸	۰/۰۰۰	۳/۵۷۴	۳/۷۱ حد پائین ۳/۴۴ حد بالا
خدمات مشاوره‌ای	۳/۳۶	۳۵/۵۲۳	۱۷۹	۰/۰۰۰	۳/۸۵۸	۳/۱۷ حد پائین ۳/۵۴ حد بالا
کاربرد آموزش در تشکل‌های زنان و ارتقا فرهنگ	۳/۶۹	۳۹/۰۸۲	۱۷۹	۰/۰۰۰	۳/۶۸۶	۳/۵۰ حد پائین ۳/۸۷ حد بالا
فعالیت‌های نمادین	۳/۴۴	۴۴/۶۱۱	۱۷۹	۰/۰۰۰	۳/۵۴۴	۳/۳۹ حد پائین ۳/۷۰ حد بالا

با توجه به میزان t و سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده، از آنجاکه در ابعاد «کمک‌های مادی»، «نشست‌های مستمر و هدفمند زنان»، «خدمات مشاوره‌ای»، «کاربرد آموزش در تشکل‌های زنان و ارتقا فرهنگ» و «فعالیت‌های نمادین» اختلاف میانگین مثبت است، لذا می‌توان گفت که میانگین مشاهده‌شده بزرگ‌تر از میانگین نظری (۳) است و به عبارتی، ابعاد ذکرشده در وضعیت بالاتر از میانگین جامعه قرار دارند.

سؤال سوم: مهم‌ترین موانع و مشکلات مشارکت زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد کدام‌اند؟

به‌منظور شناسایی موانع مشارکت زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد، با استفاده از مرور ادبیات پژوهش و مصاحبه با افراد صاحب‌نظر، ۹ مانع شناسایی و با قرار دادن آن در قسمت دوم پرسشنامه از جامعه پژوهش خواسته شد تا درباره آن‌ها قضاوت کنند. در جدول ۳ نتایج

آزمون t تک نمونه‌ای مربوط به موانع مشارکت زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد نشان داده شده است.

جدول ۳- نتایج آزمون t تک نمونه‌ای به منظور بررسی موانع مشارکت زنان

ارزش آزمون-۳						
مؤلفه‌های پژوهش	میانگین	t	درجه آزادی	مقدار معناداری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان حد پائین حد بالا
فرهنگ سنتی جامعه	۳/۷۳	۶۷/۹۱۶	۱۷۹	۰/۰۰۰	۳/۷۲۷	۳/۶۲ ۳/۸۲
عدم استفاده از زنان برخوردار از دانش و مهارت‌های تخصصی بالا در سازمان	۳/۱۲	۳۷/۴۹۷	۱۷۸	۰/۰۰۰	۳/۱۲۱	۲/۹۶ ۳/۲۸
عدم حمایت لازم از طرف سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان جامعه	۳/۱۶	۶۱/۴۹۵	۱۷۷	۰/۰۰۰	۳/۱۶۳	۳/۰۶ ۳/۲۶
ایدئولوژی مردسالارانه	۴/۰۲	۱۲۲/۶۲۲	۱۳۴	۰/۰۰۰	۴/۰۲۲	۳/۹۶ ۴/۰۹
محدودیت‌های محیطی	۳/۲۵	۷۳/۴۶۰	۱۷۷	۰/۰۰۰	۳/۲۵۵	۳/۱۷ ۳/۳۴
فقدان انگیزه و مشوق‌های لازم	۳/۳۰	۵۸/۵۴۱	۱۷۹	۰/۰۰۰	۳/۲۹۶	۳/۱۸ ۳/۴۱
عدم وجود قوانین و آیین‌نامه‌های تسهیل‌کننده	۲/۶۸	۸۵/۶۶۲	۱۷۹	۰/۰۰۰	۲/۶۸۴	۲/۶۲ ۲/۷۵
مسئولیت‌های چندگانه	۳/۳۷	۱۱۹/۸۳۴	۱۷۹	۰/۰۰۰	۳/۳۶۵	۳/۳۱ ۳/۴۲
نابرابری جنسیتی	۳/۸۸	۶۵/۹۶۲	۱۷۷	۰۰۰	۳/۱۶۳	۳/۰۶ ۳/۲۶

با توجه به میزان t و سطح معنی‌داری به دست آمده، پاسخ‌های نمونه نشان می‌دهد که از نظر جامعه پژوهش، مهم‌ترین موانع و عوامل مشارکت زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد، «ایدئولوژی‌های مردسالارانه»؛ «نابرابری جنسیتی» و «فرهنگ سنتی جامعه» است.

بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف شناسایی مؤلفه‌ها و ابعاد مشارکت زنان در توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد اجرا شد. بدین منظور، جهت شناسایی مؤلفه‌ها و ابعاد مذکور مبانی نظری و پیشینه پژوهش مورد مطالعه قرار گرفت. مطالعات انجام شده نشان داد که در راستای توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد، زنان از طریق «کمک‌های مادی»، «نشست‌های مستمر و هدفمند»، «خدمات



مشاوره‌ای»، «آموزش در ارتقا فرهنگ» و «فعالیت‌های نمادین» می‌توانند نقش مؤثری در توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد داشته باشند.

یافته‌های پرسش اول پژوهش نشان داد که کمک‌های مادی زنان در توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد، نقش مهمی دارد. زنان از طریق کمک‌های خیریه و مردمی، پرداخت حق عضویت، کمک مالی اعضا، فروش نشریات و برگزاری نمایشگاه‌ها و کارگاه‌های آموزشی نقش مهمی را در توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد ایفا می‌نمایند. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های براری و همکاران (۱۳۹۱)، دماری و همکاران (۱۳۹۳) هماهنگ و هم سو بوده است.

یافته‌های پرسش دوم پژوهش مبنی بر بررسی وضعیت موجود جایگاه زنان در توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد بر اساس مؤلفه‌ها و ابعاد شناسایی شده، نشان داد که تمامی ابعاد (کمک‌های مادی، نشست‌های مستمر و هدفمند زنان، خدمات مشاوره‌ای، کاربرد آموزش در شکل‌های زنان و ارتقا فرهنگ و فعالیت‌های نمادین) در حد متوسط قرار دارد و برای نیل به وضعیت مطلوب فاصله دارند و سازمان‌های مربوطه باید اهتمام ویژه‌ای در این راستا داشته باشند. این یافته با یافته‌های پژوهش دماری (۱۳۹۳)، براری و همکاران (۱۳۹۱)، محبوبی شریعت پناهی (۱۳۹۶)، سرحدی (۱۳۹۶)، صفری و همکاران (۱۳۹۷) همسو بوده است.

یافته‌های پرسش سوم پژوهش نشان داد از نظر جامعه پژوهش، از عمده‌ترین موانع در مشارکت زنان در توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد، وجود ایدئولوژی مردسالارانه، نابرابری جنسیتی و فرهنگ سنتی جامعه می‌باشند. این یافته تأییدی بر نظریه‌های بم، باندورا، بلاک، وست و زیمرمن و جودیت باتلر است. بر اساس این، رفتارها و نقش‌های جنسیتی مورد انتظار زنان در تجربه نابرابری جنسیتی آن‌ها نقش چشمگیری دارد. این یافته با پژوهش‌های ادیمی و روغنیان (۱۳۸۸)؛ اعظم آزاده و رضایی (۱۳۸۷) و صفری و همکاران (۱۳۹۷) همسو بوده است که بر نقش احساس نابرابری جنسیتی بر عدم مشارکت زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد اشاره کرده‌اند. وجود کلیشه‌های جنسیتی در جامعه، زنان را به‌عنوان انسان‌هایی برخوردار از حقوق کامل به رسمیت نشناخته و از برقراری روابط همسان میان افراد دو جنس و از شرکت کامل زنان در پیشرفت جامعه خود جلوگیری می‌کنند و بدین ترتیب زنان را از شکوفایی تمام توانایی‌های انسانی خود (توانایی‌های معنوی، عاطفی و ارادی) باز می‌دارند (دشتی خویسکی

و حسینی، ۱۳۹۴). به طور کلی در این پژوهش دریافتیم نقش زنان در توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد متأثر از رفتارها و نقش‌های زنان و ایدئولوژی مردسالاری است که ریشه در فرهنگ و سنت جامعه دارد؛ بنابراین رفع نابرابری جنسیتی مستلزم تغییر عقاید و انتظارات اجتماعی از نقش‌های بیرونی زنان و تغییر ایدئولوژی سلطه‌گرایانه مردان است (صفری و همکاران، ۱۳۹۶).

با توجه به نتایج پژوهش می‌توان گفت که توسعه هر جامعه‌ای در گرو مشارکت فعالانه تمام اعضای آن جامعه است. در این راستا مشارکت فعالانه زنان در امور جامعه، نقشی بسیار حساس و تعیین‌کننده است. در واقع حضور زنان در عرصه‌های عمومی و اجتماعی جامعه، تضمین‌کننده نشاط جامعه از یک سو و پیشرفت همه‌جانبه و پایدار کشور از سوی دیگر است، اما در این میان مشکلات و موانع فراوانی در مورد مشارکت فعالانه آن‌ها وجود دارد. از جمله می‌توان به ایدئولوژی مردسالارانه و نابرابری جنسیتی و فرهنگ سنتی اشاره نمود.

وجود نظام مردسالارانه در جامعه، از به قدرت رسیدن زنان در پست‌های کلیدی و سیاست‌گذاری جلوگیری کرده و با استفاده از ابزارهای گوناگون اجتماعی، روانی و سیاسی تلاش می‌کند که زنان را از صحنه خارج نموده و از حضور آنان در حوزه قدرت، جلوگیری کنند. همچنین ترکیب قدرت و سنت سبب شده است که یک سلسله‌مراتب غیرعقلانی جنسیتی به وجود بیاید و مانع شود تا زنان بتوانند به سطوح مدیریتی بالا برسند (بهرام‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۵۳).

از موانع فرهنگی که مانع از مشارکت زنان در حوزه‌های قدرت شده است، وجود تفکر غالب مبنی بر عدم توانایی زنان بر پست‌های مدیریتی و کلیدی جامعه بوده است؛ وجود این فرهنگ سبب شده است برخی زنان نیز به توانمندی‌های خودباور نداشته باشند و برای کسب تجربه و دانش‌اندوزی و شکوفایی و استعدادهای خود اقدامی انجام ندهند، عدم تلاش زنان در این مسیر، سبب شده است که زنان از رسیدن به پست‌های مدیریتی در سطح کلان و عرصه سیاست‌گذاری در کشور محروم شوند (احمدی کهنعلی، ۱۳۹۲).

وجود پیش‌داوری‌های منفی در مورد زنان عاملی دیگری است که در راه رسیدن آنان به جایگاه والا در حوزه قدرت وجود دارد. نگرش‌های عمومی غلط و منفی در مورد زنان، باورها و



سنت‌های فرهنگی نادرستی که در جامعه وجود دارد سبب شده است که در قضاوت‌هایی که نسبت به جنسیت در بین مردم انجام می‌شود عملکرد مردان مثبت و خوب ارزیابی شود ولی در مورد زنان این‌گونه نباشد و اعتماد به زنان کمتر باشد. در جامعه‌ای که سنت‌های غلط حاکم باشد، بستر لازم برای حمایت از زنان وجود ندارد در نتیجه قوانین مطلوبی هم مصوب و اجرا نخواهد شد زیرا جامعه پذیرای آن نیست که زنان بتوانند به پست‌های مدیریتی کلان دست پیدا کنند و در صورت نوشتن قوانینی هم که مناسب باشد نمی‌توان آن قوانین را اجرا کرد، در چنین جامعه‌ای نیاز به فرهنگ‌سازی است تا باورهای فرهنگی نامناسب را از ذهن جامعه و حتی مسئولین پاک کرد و موقعیت مناسب را ایجاد نمود، سپس زنان را مورد حمایت قرار داد (شجاعی، ۱۳۸۱).

با توجه به نتایج پژوهش، عمده‌ترین راهکارهایی که می‌توان به‌عنوان پیشنهادات کاربردی به کار بست عبارتند از:

- **تعریف نقش‌های واضح و تأثیرگذار برای زنان:** نقش‌های واضح و عملی برای زنان در تمام سطوح و مراحل تعریف شود. زنان باید در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های جامعه سهیم باشند و صرفاً نه به‌عنوان مشاور بلکه به‌عنوان تصمیم‌گیرنده و برنامه‌ریز سهیم بوده و اقدامات و فعالیت‌های آنان در سازمان مؤثر باشد؛
- برداشتن موانع قانونی و حمایت از ایجاد تشکل‌های مدنی زنان
- وضع قوانین برای رفع سرکوب و تبعیض جنسیتی منفی علیه زنان
- تخصیص بودجه و تشکیل کمیته‌هایی با همکاری مراکز امور زنان برای شناسایی عوامل بازدارنده مشارکت سیاسی زنان
- برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های منسجم با هدف جریان‌سازی‌های مطلوب جنسیتی و توانمندسازی زنان و احراز مشاغل مهم جامعه توسط زنان.
- رفع تبعیضات در احراز مشاغلی که زنان دارای صلاحیت‌های لازم برای آن‌ها هستند ولی به دلایل جنسیتی به مردان واگذار شده است. با در نظر گرفتن سهمیه ویژه‌ای برای فعالیت زنان شایسته و نخبه در سطوح بالای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، می‌توان موانع را رفع نمود.

- رسانه‌ها با ترویج فرهنگ برابری و تغییر تدریجی فرهنگ سنتی ایران فضایی را در میان نخبگان و اقشار مختلف جامعه ایجاد کند که بیش از این پذیرای اصلاحات مؤثر سیاست‌گذاری‌ها برای راه‌یابی تعداد بیشتر زنان به مجلس شورای اسلامی باشند.
- رسانه‌ها می‌توانند نقش مهمی در بهبود آموزش زنان جهت افزایش آگاهی‌های جنسیتی سیاسی، مهارت‌های لابی‌گری و شبکه‌سازی در کشور داشته باشند؛ بنابراین، رسانه‌ها باید احترام و عزت را برای زنان از طریق پرهیز از برجسته کردن تصویر منفی زنان، ایجاد نمایند. موضوع زن و رسانه در سیاست‌گذاری کاملاً به هم مرتبط است. این یک سکوی بلند است که از این طریق روند توانمندسازی زنان می‌تواند تسریع گردد.



منابع فارسی

۱. اسلامی، سیده زهرا (۱۳۹۷)، نقش سازمان‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد در جهت کاهش خشونت‌های اجتماعی و تأمین امنیت محله، ششمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.
۲. افضل‌ی، رسول؛ ایرانخواه، احمد و مومنی، حسن (۱۳۹۷)، بررسی نقش سمن‌ها در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، مورد مطالعه: شهر تهران، مجله‌ی جغرافیا و روابط انسانی، (۱)۱، ۵۶۹-۵۹۲.
۳. انصاری، مینا (۱۳۹۷)، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد ملی و بین‌المللی در پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم، (۴۶)۱۲، ۱۳۳-۱۶۱.
۴. بادسار، محمد و مهدی قاسمی (۱۳۹۶)، تحلیل جنسیتی مشارکت زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد، دومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهش دینی، رشت، دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران.
۵. براری، مرضیه، مطهری اصل، مرضیه و جمال رضوی رضوانی (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر عضویت در سازمان‌های مردم‌نهاد بر پایگاه اجتماعی-اقتصادی زنان سرپرست خانوار. فصلنامه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، (۱)۳.
۶. خسروانی، عباس (۱۳۹۵)، نگاهی به نقش سمن‌ها در پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی، روزنامه شهر فردا، کد خبر: ۱۳۳۵۰.
۷. خطیبی، اعظم (۱۳۹۴)، بررسی نگرش زنان نسبت به عوامل موثر بر تحکیم خانواده (پژوهشی در بین کارکنان زن دانشگاه‌های پیام نور استان همدان). فصلنامه مطالعات زن و خانواده، (۱)۳، ۵۹-۹۲.
۸. رازقی، نادر و لطفی خاچکی، بهنام (۱۳۹۷)، تحلیل جامعه‌شناختی چالش‌های بقا و پایداری سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی؛ با تأکید بر رابطه آنها با دولت. جامعه‌شناسی نهاد‌های اجتماعی، (۱۱) ۵، ۱۲۲-۹۳.
۹. سیدرنجبرسقزچی، میرمصطفی؛ داود عبدالمهدی؛ هادی بهاری و علی موذن عموقین (۱۳۹۶)، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد سمن‌ها در مبارزه و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی با تأکید بر اعتیاد، کنفرانس سالانه پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، تهران، پژوهشکده مدیریت و توسعه پژوهشگاه فرهنگ و هنر.

۱۰. شاه بهرامی، فرخ اله، پیشگاهی فرد، زهرا؛ زال پور، کیانوش و بختیاری، تقی (۱۳۸۹). تاثیر فعالیت های سازمان های مردم نهاد بر پیشگیری از ارتکاب جرم زنان سرپرست خانوار (پیشگیری از جرم)، پژوهش های مدیریت انتظامی (مطالعات مدیریت انتظامی)، ۵(۳)، ۵۰۴-۵۱۸.
۱۱. فیروزجانیان گلوگاه، علی اصغر، صادقی، سهیل، جان محمدی لرگانی، وحید و طاهره لطفی (۱۳۹۷). فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه طلاق ایران. فصلنامه مطالعات زن و خانواده، ۶(۲).
۱۲. قراملکی، قراملکی (۱۳۸۸). اخلاق در سازمانهای مردم نهاد. مشخصات نشر: تهران: ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده.
۱۳. گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۸۶). راهنمای سازمان های غیردولتی، چاپ دوم، انتشارات موسسه ابرار معاصر تهران، تهران، ص ۴۰.
۱۴. محسنی، رضاعلی؛ خوش فر، غلامرضا، بابایی، قربان علی و ابراهیمی، میترا (۱۳۹۵). بررسی عوامل های موثر بر انگیزه مشارکت زنان در سازمان های مردم نهاد، زن و جامعه (جامعه شناسی زنان)، ۴(۲)، ۱۶۷-۱۹۰.
۱۵. معینی الدینی، زهرا، سهرابی، فرامرز، دلآور، علی و کریم نژاد نیارق، سعید (۱۳۹۳). مقایسه سبک هویتی و میزان شیوع اختلالات روانی در زنان زندانی براساس نوع جرم». فصلنامه مطالعات زن و خانواده. ۱۳۱(۱). ۱۴۹-۱۳۱.
۱۶. همایونی بایی، مقدسه (۱۳۹۱). بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی زنان در تعاونی تولیدی استان مازندران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور. واحد تهران غرب.
۱۷. وروایی، اکبر، محمدی، همت و نوریان، ایوب (۱۳۹۵) مشارکت سازمان های مردم نهاد در فرایند کیفری، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری (دانشنامه حقوق و سیاست)، ۱۲ (۲۸)، ۲۷-۴۳.

منابع انگلیسی

1. Ayub, N. and Rafif, Sh. (2011). The Relationship between Work Motivation and Job Satisfaction, Pakistan Business Review, Vol. 13, No. 2, pp. 332-347. [in Persian]
2. Afzali R. Irankhah, A., Momeni, H. (1397) Investigating the role of ngo in preventing social injuries. Case study: Tehran, Geography Magazine and Human Relations, 1(1), 569-592 (text in Persian).
3. Ansari, M. (1397), The Role of National and International Nongovernmental Organizations in Preventing Environmental Crime, Journalism, Proceeding of Crime Prevention Studies, 12 (46), 133-161 (text in Persian).



4. Badasar, M. ; Ghasemi, M. (1396), Gender Analysis of Women's Participation in People's Organizations, Second International Conference on Social Studies and Religious Studies, Rasht, Imam Sadiq University (AS) Campus Sisters(text in Persian).
5. Barary, M. & Motahariasl,M. & Razavi Khorasani,S.J. (2012). the Effect of Non- Governmental Organizations (NGO) on the Socioeconomic Status of Women Heading Households, Quarterly Journal of Sociology of Women, Vol. 3, No. 1, pp. 157-180. [in Persian]
6. Clayton, A.; Oakley, P.; Taylor, J. 2000. Civil society organizations and service provision. Civil Society and Social Movements, Programmed Paper No. 2. Geneva: UNRISD
7. Eslami, S.Z (1397) The Role of NGOs and Organizations in Reducing Social Violence and Securing the Neighborhood, 6th Research Conference on Educational Sciences and Social Psychology, Iran, Tehran, Institute for the Development and Promotion of Basic Sciences and Technology(text in Persian).
8. - firozjaeian , aliasghar: sadeghi soheil: janmohammadi vahid: tahere lotfi(2017).Meta-analysis of studies about divorce in Iran. Journal of Women and Family Studies.6(2)Jahangiri, J. & Shokrizadeh, T. (2009). A Survey of the Effect of Social capital on the performance of women NGOs (A case study of Shiraz), Quarterly Journal of Sociology of Women, Vol. 1, No. 3, pp. 105-120. [in Persian]
9. Golshan Pajouh, M R. (2007), Guide for NGOs, Second Edition, Tehran University's Contemporary Abrar Institute of Publications, p. 40(text in Persian).
10. Hilborn, J., & Leps, A. (2005). Crime Prevention Policy in Estonia. In E. Marks, A. Meyer, & R. Linssen (Eds.), Quality in crime prevention. Norderstedt: Books on Demand GmbH.
11. Khatibi,azam(2015).Survey of Females' Attitude toward Factors Affecting the Family's Strength (Research done among women staff of Payam Noor University; Hamadan Province). Journal of Women and Family Studies.3(1).59-92.
12. Khosravani, A. (1395), A Look at the Role of Sannas in Preventing and Reducing Social Damage, The City of Tomorrow, Newspaper: 13350(text in Persian).
13. Mohseni, R A; Khoshfar ,G. Babaei G. A; Ebrahimi ,M. (1395) An Investigation into Effective Factors on the Motivation of Women's Participation in NGOs, Women and Society (Women's Sociology), 4 (2), 167 -190(text in Persian).
14. Moinoddini,Zahra: sohrabi, faramarz. Delavar; karimnejad nayaregh, sayed(2014).Comparison of Identity Style and the Prevalence of Mental Disorders in Women Prisoners according to the Type of Crime. Journal of Women and Family Studies .1(2).131-149.
15. Qaramlaki, Q. (2009), Ethics in NGOs. Publication details: Tehran: Presidency, Center for Women and Family Affairs(text in Persian).

16. Razaghi, N. ; Lotfi Khachki, B (1397), Sociological Analysis of the Challenges of Survival and Sustainability of Active NGOs in the Field of Social Damage, Emphasizing their Relationship with the State. *Sociology of Social Institutions*, 5 (11), 122-93(text in Persian).
17. Rahnem, majidi(1999) participation in: the development Dictionary Edite by wolfcancy saches.london zeb books ltd.
18. Szaghi,SR, ; Abdollahi. D.; Bahari, H; Moazzan Amooqin, A. (1396); The role of NGO's in combating and preventing social harm with an emphasis on addiction. Annual Conference on Research in Humanities and Social Studies, Tehran, Research Institute. Management and Development of the Institute of Culture and Arts(text in Persian).
19. Shah Bahrami, F; Pishgahifard, Z; Zalpour, K. ; Bakhtiari, T. (2010), The Impact of NGO activities on preventing the crime of female heads of household (crime prevention), *Police Management Research (Police Management Studies)*, 5 (3), 504-518(text in Persian).
20. Soltankhah, V. (2005). Women political participation in Isfahan Province (awareness, attitudes and strategies), *Women and Research, Province Researches*, foreign ministry's women affairs office. [in Persian]
21. Towhidi, M. (1392) A look at the true personality of the woman from the perspective of the verses and narrations (with emphasis on the controversy of the reasons), *Journal of Women and Family Studies*, Women's Research Institute Alzahra University ,Volume 1, Issue 1, Pages 40-7.
22. Tischler, Henry L. (2011), introduction to sociology, Australia: Wadsworth
23. Vervai, A; Mohammadi, H; Nourian, A. (1395) The Participation of NGOs in the Criminal Process, Private and Criminal Investigations (*Encyclopedia of Law and Politics*), 12 (28), 27-43(text in Persian).
24. Vajdisi Seys, F, Moadab, SA (1396) Pathology, Understanding Family Traditions, *Journal of Women and Family Studies*, Women's Research Institute Alzahra University, Vol. 5, No. 1, pp. 170-151.



1. Tsui, M. & Lynne, R. (2002). The Only Child and Educational Opportunity for Girls in Urban China. *Gender & Society*, 16 (1), 74–92.
2. Wong, T. M., Branje, S. J., VanderValk, I.E., Hawk, S.T., and Meeus. W. H. (2010). The role of siblings in identity development in adolescence and emerging adulthood. *Journal of Adolescence*, 33, 673–682.



The Role of Women in Developing the Capabilities of Non-governmental Organization

Masoumeh Pirveysi¹

Ali Shirkhani²

Abstract

This study aimed at investigating the role of women in promoting the capabilities of non-governmental organizations (NGOs). The main objective of this study was to identify the factors that can increase the role of women in promoting the capabilities of NGOs. Via the surveys, after screening the primary factors using Delphi technique, five factors were identified as the most important factors that women respondents could comment on, including financial assistance, holding continuous and purposeful meetings for women, consultancy services, the application of training in women's organizations, and promotion of culture and symbolic activities. The statistical population of this study included 180 women members of the NGOs in Tehran who were mostly active in the field of social harm. Of these, 123 samples were selected by Cochran formula. Data were collected using a questionnaire. To evaluate this questionnaire's reliability and validity, Cronbach's alpha method and CVR were utilized respectively. The data were analyzed by one-sample t-test. The results indicated that financial support and assistance played a significant role in enhancing the capabilities of NGOs.

Keywords: Women, Non-governmental organizations (NGOs), Social harm, Women cooperation, Women's organizations

¹ Ph. Candidate of Public Policy, Islamic Azad University, Qom

² Associate Professor, Department of Political Sciences, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Qom Branch, Iran (Corresponding author)

Rooz1357@gmail.com